

ضمیمه

نوشتار

آوریل ۲۰۰۳

درسهایی از جنگ عراق

نظم نوین جهانی : گرایش به وحشیگری



درسهایی از جنگِ عراق

نظم نوین جهانی : گرایش به وحشیگری

کروزوس، آخرین پادشاه لیدی، چنان ثروتمند بود که شهرتش پس از گذشت دوهزارو پانصدسال هنوز هم ضرب المثل است. موقعی که این کروزوس ثروتمند می خواست به پارس لشکرکشد، به معبد دلفی رفت تا ندای پیشگویی را بشنود. ندا چنین بود: "اگر از رودخانه هالی عبور کنی امپراتوری بزرگی نابود خواهد شد." کروزوس این ندای خردمندانه را بد فهمید. پیامی بود علیه خودش : او به پارس لشکر کشید و کوروش پادشاه پارس لشکر او را تارومار کرد. امپراتوری بزرگی که کروزوس می خواست نابودش کند، امپراتوری خودش بود که نابود شد.

آمریکایی ها با جنگی که به راه انداخته اند از رودخانه هالی عبور کرده اند. اگر چه آنها در این جنگ برنده خواهند شد ولی صلح را می بازند. جنایت سازمان یافته علیه جنایتکار بغداد وزیردستانش به معنای پایان کار ابر قدرت آمریکا نیست ولی این ابر قدرت خودش به خودش آسیب می رساند: آمریکا در عرصه جهان اعتبار و احترام، اقتدار و اعتماد را ازدست می دهد. و آمریکا امپراتوری ای را که خودش بوجود آورده ، یعنی سیستم بین المللی را که در تأسیس آن شرکت داشته است و بر اعتماد به آمریکا استوار بود نابود می کند: ایالات متحده آمریکا در تأسیس سازمان ملل متحد (UN) و در تشکیل پیمان دفاعی اتلانتیک شمالی NATO شرکت کرده است و حال سازمان ملل متحد را به سخره گرفته ، پیمان اتلانتیک را بی اعتبار کرده و برای پیمان مودت و دوستی اروپای باختری و آمریکا ارزش چندانی قائل نیست. ایالات متحده آمریکا در برابر افکار عمومی جهان میثاق سازمان ملل متحد را چون ورق پاره ای به دور انداخته و با جنگ علیه عراق با افکار عمومی جهان به مقابله پرداخته است .

پس از سپتامبر ۲۰۰۱ چنین گفته شد: از این پس جهان مانند سابق نخواهد بود. پیش از همه سیاست ایالات متحده آمریکا وضعیتی بوجود آورده است که این گفته واقعا صادق است. ایالات متحده آمریکا سیاستی اتخاذ کرده است که گویی آمریکا جادودانی و رویین تن است و به ملل دیگر نیازی ندارد. ایالات متحده آمریکا به نام آزادی و موازین حقوقی، آزادی و موازین حقوقی را کنار گذاشته است. آمریکا - بنا به گفته روانکاو و تحلیل گر مسایل روانشناختی، هانس یورگن ویرت (H.J. Wirth) - "به هذیان خود بزرگ بینی و خودشیفتگی جمعی مبتلا شده است" و ارزشهایی را که خود بدانها پای بند بود زیر پا نهاده است. حکومت بوش به اثبات رسانید که هرگاه اراده کند آماده است موازین حقوقی را زیر پا نهد.

سناتور کهنه کار دموکراتها ربرت برد (Robert C. Byrd) در سخنرانی اش در سنا علیه جنگ عراق گفت: "این حکومت متکبر و گستاخ، سیاستی در پیش گرفته است که سالیان دراز تاثیرات مخربی برجای خواهد نهاد." او این جنگ را نقطه عطفی در تاریخ جهان نامید. مباران عراق گرایش قدرت جهانی به وحشیگری و نقطه عطفی در تاریخ جهان است، به دو دلیل. اولاً: رفتار دولت آمریکا - که پدرتدوین موازین حقوقی بین المللی است - با این موازین وحشتناک است. رفتارش شبیه رفتار هیولای کرونوس Kronos در اساطیر یونانی است که کودکش را، از ترس اینکه ممکن است او را به مخاطره اندازند، بلعید. ثانياً جنگی که بوش به راه انداخته است مسابقه تسلیحاتی را در عرصه جهان فوراً تشدید خواهد کرد. همه کشورهای در حال رشد، خصوصاً کشورهای که حس می کنند از سوی آمریکا مورد مخاطره قرار می گیرند فوراً به فکر تهیه سلاح اتمی خواهند افتاد، زیرا تنها بادسترسی به این سلاح در برابر آمریکا در امان توانند بود. در واقع آمریکا به خاطر اینکه صدام حسین سلاح های کشتار جمعی در اختیار دارد به عراق حمله ور نشده است. ایالات متحده آمریکا - همان طور که منتقد "جهانی شدن" هرارد شومان H. Schumann به درستی گفته است - به عراق حمله ور شده است چون عراق چنین سلاحی ندارد. اگر عراق چنین سلاح هایی را می داشت ایالات متحده آمریکا جرات حمله ور شدن را نداشت. (به کره شمالی بنکرید). درسی که کراچی و جاکارتا و غیره از این جنگ خواهند آموخت درس ساده و واضحی است: ABC (اسلحه اتمی، اسلحه بیولوژی

واسلحه شیمیایی). جنگ عراق موضوع خلع سلاح رابه یاوه گویی تمسخرآمیزی تنزل می دهد .

نقطه عطف تاریخی: موقعی که درکنارنظام قدرت جهانی (سازمان ملل متحد) تأسیس نظام حقوقی مطرح گردید (دادگاه بین المللی لاهه) و سپس دادگاه جنایی بین المللی، آمریکا از شرکت در آن خودداری کرد. و حال، آمریکا می خواهد به جهان بقبولاند که زور مترادف است باموازین حقوقی. یعنی حق با زورمنداست و هرکشوری که قدرتمند باشد محق است. آمریکا برای توجیه این دکترین موازین حقوقی بین المللی را چیزی سیال و متغیر تلقی می کند که مشکل آفرین خواهد شد. آمریکا نمی خواهد به موازینی که خود تعیین کرده است پایبند باشد. ربرت جکسون R.Jakson رئیس دادگاه رسیدگی به جنایت های جنگی در نورنبرگ که در پایان جنگ دوم جهانی تشکیل شد، در بیستم نوامبر ۱۹۴۵ در سخنرانی گشایش این دادگاه گفت: "ما هرگز نباید فراموش کنیم که موازین داوری این دادگاه در محاکمه جنایتکاران جنگی، موازینی است که تاریخ در آینده بر مبنای آن در مورد ما قضاوت خواهد کرد."

آیا بایستی موازین حقوقی خلق ها موردسئوال قرارگیرد؟ منع اعمال قهر نقطه ثقل میثاق های سازمان ملل است که برترین مقام داوری در تاریخ نوین می باشد. البته درست است که می شود شورای امنیت سازمان ملل و ترکیب انحصاری آن از پنج کشور بزرگ جهان را مورد سئوال قرارداد و این نیز درست است که در سازمان ملل هوچیگری های زیادی بارها و بارها شنیده ایم ولی این امر به هیچ وجه بامفاد موازین حقوقی خلق ها که جنگ های تهاجمی راهم تراز با جنایت علیه بشریت و قتل عام خلق ها اعلام کرده است مغایرت ندارد. درست است که تاکنون ابزار موثری که بتوان علیه جنگ های تهاجمی به کارگرفت وجود ندارد، اما این امر جنگ تهاجمی را مجاز و محق نمی سازد. جنایتکاری که محکوم نشده بازهم جنایتکار است. و انتقاد برحق از سازمان ملل تغییری در این امر نمی دهد که این سازمان عالی ترین مقام داوری است و اصول و موازین داوری منصفانه ای در اختیار جوامع قرار می دهد. عصبانیت ایالات متحده آمریکا از سازمان ملل به خاطر نقاط ضعف این سازمان نیست بلکه به خاطر توانایی و قدرت آن است، چون همین سازمان جهانی است که با ابر قدرت جهانی مخالفت می کند. از اینروست که

مشاور سابق پنتاگون ریشارد پرل R.Perle اعلام کرد سازمان ملل بی اهمیت و زاید است.

همکار نزدیک جکسون ، تایلور T. Taylor در سال ۱۹۷۰ اعلام کرد دادستان‌ها و قضات دادگاه نورنبرگ به اصول و موازین داوری خودشان پای بند نیستند. او گفت: "مانتوانستیم از درسهای نورنبرگ چیزی بیاموزیم. این جمله شامل تهاجم نظامی آمریکا به ویتنام و تهاجم اتحادشوروی به افغانستان است و غیره و غیره است. حال دیگر سخن بر سر این نیست که از درسها چیزی آموخته نشده است. ایالات متحده آمریکا کتاب کهنه را پاره پاره می کنند و می خواهند کتاب جدیدی بنویسد ، تحت عنوان: زور به جای حق و حقوق .

یک قدرت جهانی توان آن را دارد که خطا کند. یک قدرت جهانی توان آن را نیز دارد که خطایش را جبران کند. بنابراین تعریف، باید شک و تردید کرد که ایالات متحده آمریکا هنوز هم آن چنان قدرتی است جهانی ، چون خطایی را که با جنگ عراق آغاز کرد هم اکنون عواقب وخیم جبران ناپذیرش مشاهده می شود. نظم نوین بسیار زیبای پس از جنگ برای عراق (که چندان هم زیبا نخواهد بود) مسابقه جدید تسلیحانی در عرصه جهان را متوقف نخواهد کرد. و برنامه آن چنان زیبای بازسازی عراق، تنفر جهان عرب از ایالات متحده آمریکا را کاهش نخواهد داد. و مخفی هم نخواهد ماند که حکومت آمریکا، میلیاردها دلار ثروت عراق در خارج را که ضبط کرده است به صندوق شرکت های آمریکایی سرازیر می کند تا جاده ها و مؤسسات عراق را که ارتش آمریکا ویران کرده است تعمیر کنند. چنین است سرمایه گذاری جهان زیبای نو.

ضمیمه

نوشته‌ها

مارس ۲۰۰۲

* تروریست در جایگاه قانونگذار

* نامه سرکشاده به وزیر امور خارجه اسرائیل
شیمون، توهمکار همدست این حکومت جنایتکار شلداي

ضمیمه

نوشته‌ها

دسامبر ۲۰۰۲

خشم ما بی پایان است
اصطلاح ضد آمریکایی به مثابه ایدئولوژی

*

تجدید چاپ مطالب نوشتار برای همگان آزاد است

Robubi
Postfach 23007
55051 Mainz
Germany
robubi@t-online.de